



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۱/۰۱/۲۰۲۳

محمد صالح گردش

وجه تسمیه «پل امام بُکری»^(۱)

سال ها پیش زمانی که شاگرد صنف نهم مکتب بودم و مضمون زبان و ادبیات دری را استاد «همایون ناجی» تدریس می نمود، روزی در ارتباط چگونگی نام گذاری پل امام بکری- پل مشهور و تاریخی که شهر باستانی بلخ را با صفحات جنوب و شهرک های شولگره، دره صوف و سانچارک وصل می کند- گفت که در زمان آمد آمد مغل و خروج چنگیز، پیش از آن که آن لشکر غارت و تباهی به شهر بلخ وارد شوند، سلطان العلماء مولانا بهاءالدین و اعضای خانواده اش که جلال الدین محمد ۱۲ ساله نیز جزء آنها بود، توشه سفر برداشتند و شهر بلخ را به قصد دیار غرب ترک نمودند. در هنگام خروج این خانواده از شهر بلخ، جمع کثیری از خویشاوندان، دوستان و مخلصان مولانا بهاءالدین، او و اعضای خانواده اش را تا سر پل ماموگری بدرقه نمودند و در بالای همین پل، آنها با مولانا بهاءالدین و خانواده او وداع کردند. در هنگام وداع همه گریستند و شیون و فریاد های جدایی، فضای آرام آن وادی را در هم پیچید. از اینکه در زبان عربی گریه را «بُکا» می گویند، بنابراین، این پل مسما به پل «امام بُکا» شد و بعد به تدریج پل امام بُکری (ماموگری) گردید.

اینکه این واقعه وداع بر سر این پل اتفاق افتاده و یا جای دیگری، خود یکی از واقعه های تلخ و تراژید سرزمین بلخ است، چه ما آگاهی داریم که اندک مدت پس از این رویداد، خون اکثریت باشنده های بلخ با تیغ جلاخان مغولی به زمین ریخت و شاید همه آنهايي که مولانا بهاءالدین و اعضای خانواده اش را بدرقه نمودند، کشته شدند. شاید تحریک حس ناخودآگاه مولانا بهاءالدین و کسان دیگری که این کاروان را آماده سفر ساختند، با آگاهی از رویدادهای بعدی کوششی بوده است تا از میان اهالی آن روزگار بلخ یگانه گوهری را بردارند و به دست امانت دیار قونیه بسپارند، که او مولانا جلال الدین محمد بلخی بود. و هم زمانی از مولانا حنیف بلخی شنیدم که ساختمان این پل را به شخصیتی بنام امام بُکری نسبت نمود.

تا هنوز به اسناد رسمی و تاریخی که به یکی از این دو توجیه مُهر صحه بگذارد، دست نیافته ام و یقین دارم که این توجیهاات بیشتر مربوط به حدس و گمان های محققینی باشد که در ارتباط فلسفه نامگذاری این پل کوشیده اند. از داستان هجرت مولانا بهاءالدین می توان به قدامت این پل پی برد و قابل یادآوریست که چند پل دیگری نیز در زمان های گذشته و در جاهای مختلف بالای دریای بلخ اعمار گردیده و تا هنوز آن پل ها پا برجا و مورد استفاده قرار دارند.

برعلاوه در ارتباط ساختمان این پل داستان فولکلوریکی وجود دارد و اعمار این پل را به پیره زنی نسبت می دهند که او بعد از ساختمان این پل، همان مقدار هزینه بی را که در راه ساختمان آن به مصرف رسانیده بود، در یکی از پایه های این پل مدفون نموده تا در صورت خراب شدن، مردم بتوانند با آن هزینه به ساختمان مجدد آن بپردازند.

بهترین سند تاریخی در ارتباط اعمار این پل همین قصه ایست که در میان مردم وجود دارد و اکنون به تجزیه اسم ترکیبی ماموگری می پردازیم: جزء اول این اسم ترکیبی «مامه» است که در زبان ایماق ها مادر بزرگ و پیره زن معنا می دهد. این جزء در ترکیب اسم شاه مامه- بت ۳۶ متری بامیان که چند سال پیش تخریب گردید- نیز موجود است که به نظر من بزرگترین بت ربه النوع ناهید (مادر) بود. جزء دوم این اسم ترکیبی «وُکر» است که ما را به یاد کوه یا قلّه «هُکر» می اندازد. هُکر در اوستا «هوکنیریه» است و در مهریشت فقره ۸۸ بلندترین قلّه هَر نِیتی گفته شده است.

در کُتب زردشتی نام هُکر با جمشید به هم چسبیده است و هرگاهی که جمشید را در برابر یکی از ارباب الانواع در حال نیایش و قربانی می بینیم، او در بالای قلّه هُکر است و در اینجا دو مورد آنرا بطور مثال می آوریم:

اوستا. آبان یشت، فقره ۲۴: «از برای او جمشید دارنده گله و رمه خوب در بالای کوه هکر صد اسب هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد.»

فقره ۱۵: او را (فرشته هوا را) بستود جمشید دارنده گله و رمه خوب در بالای هکر بلند سراسر درخشان. در بین ولسوالی های سانچارک و شولگره و دره صوف کوه بلندی قرار دارد که آنرا «وُلکر» می گویند که با اندک تعمق و با در نظر داشت سیر تحول چندین قرن اسم هکر تا امروز، می توانیم بگوییم که وُلکر شکل متحول اسم هکر باشد. قابل یادآوریست که نباید سلسله کوه البرز را که از تنگی چشمه شفا آغاز و تا مربوطات ولایت جوزجان به تپه های پستی منتهی می گردد، دانست. برعکس البرز یا هرئیتی کوه بزرگی است که این کوه بر علاوه غرب به صوب جنوب غرب و شرق نیز امتداد دارد و ولکر یا هکر یکی از رشته های همین کوه است. جزء سوم این اسم ترکیبی، یای نسبت است، بنابراین اسم ماموگری: مامه + هکر + یای نسبت = پل ساخته شده توسط مامه و یا پیره زنی که از هکر بوده است.

پس در اصل نام این پل، «پل مامه هگری» بوده که بتدریج و اندک تغییر، ماموگری شده است. از آنجایی که در جوامع مذهبی و سنتی در زمانه های مختلف از طرف محافل مذهبی کوشش هایی صورت پذیرفته تا به نحوی بسیاری افتخارات را به رهبران مذهبی نسبت دهند، در ارتباط این پل نیز کوشش هایی صورت پذیرفته است. در چنین موارد بایستی گاه گاهی-البته نه بطور عموم- به روایات و قصه های فولکلوریک توجه نمود؛ زیرا چنین قصه ها را اگر بتوانیم از شکل افسانوی و اساطیری آن بیرون بکشیم و صیقل نماییم حقایق تاریخی را نیز با خود دارند. در این صورت در دوایر رسمی نام این پل که به هیأت امام بگری نوشته می شود نادرست خواهد بود و بهتر همان است که نام این پل را به شکل طرز اداء و لهجه مردم محل یعنی پل ماموگری بنویسیم.

مسأله دیگری که در بالا تذکار رفت، نام این قله در اوستا هوکنیریه آمده و شکل پهلوی آن هکر است. اینکه زبان پهلوی (پارتی اشکانی) زبان قدیم ایماق ها ست، در حقیقت این زبان به منزله پلی است که زبان پارسی دری امروز را با زبان اوستایی و زبان کهن آریایی وصل می نماید و این حقیقت در سیر تکامل همین اسم نیز هویداست.

منبع:

(^۱) گردش، محمد صالح. واژه افغان و سرزمین سلیمان. مزارشریف: جاده بیهقی، مطبعه سید هاشم، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۰-۱۷